

سیمای رسول اکرم ﷺ در انجیل برنابا

ابوالقاسم عاشری



اشاره

در اواخر سال گذشته از طرف برخی دشمنان اسلام و سایر ادیان الهی توطئه‌های شکل گرفت که به فرموده مقام معظم رهبری بر مبنای ایجاد دشمنی بین مسلمانان و مسیحیان به انجام رسید و حتی برخی آن را مقدمه‌ای بر شروع جنگ‌های صلیبی دوره دوم بر شمرند. توطئه‌های که از برخی روزنامه‌های دانمارکی آغاز شد، در ادامه، موج‌های آن در برخی نشریات اروپایی ظاهر شد و در نهایت به سایت‌های اینترنتی رسید. این نشانگر آن بود که «گفتگوی تمدن‌ها» جز بر پای‌بندی بر تدین شکل نخواهد گرفت و اصل اساسی، «گفتگوی تدین‌ها» خواهد بود نه «گفتگوی تمدن‌ها». مقاله با هدف تأکید بر صلح‌آمیز بودن روابط مسلمانان و مسیحیان، سیمای ظهور پیامبر اسلام را در «انجیل برنابا» بررسی کرده است. گرچه این انجیل به اندازه انجیل‌های چهارگانه موجود مقبولیت نیافته، اما به نظر می‌رسد سرانجام این انجیل، با مفاهیم و مطالب والای خود جایگاه حقیقی خود را خواهد یافت.

انجیل برنابا نسخه پنجم از انجیل است که در اوائل قرن نوزدهم کشف شد و سپس به زبان‌های انگلیسی و عربی ترجمه شده و در سال ۱۳۴۵ در ایران برای اولین بار توسط علامه محقق، حیدرقلی خان قزلباش، مشهور به سردار کابلی، به فارسی ترجمه شد، کتابی که در بسیاری موارد با قرآن کریم و روایات اسلامی هماهنگ است. عناوین مطالبی که در انجیل برنابا در باره پیامبر اسلام آمده به چند عنوان کلی تقسیم می‌شود، از جمله:

۱. خلقت پیامبر اکرم ﷺ
 ۲. ارتباط پیامبر اسلام و حضرت آدم (ع)
 ۳. اخبار ظهور پیامبر اسلام از زبان حضرت عیسی (ع)، با نام خاص ایشان و نام مسیان
 ۴. پیامبر اسلام از نسل حضرت اسماعیل (ع) است نه اسحاق (ع)
 ۵. عدم وجود پیامبری پس از پیامبر اسلام و ظهور پیامبران دروغین پس از وی
 ۶. رفع تهمت مرگ حضرت عیسی (ع) توسط پیامبر اسلام
 ۷. رغبت حضرت عیسی در خدمت به پیامبر اسلام و درخواست ظهور ایشان
 ۸. موضوع پیامبر اسلام و قیامت که خود دارای زیر مجموعه‌های بسیاری است
- اما با توجه به موضوع نوشتار، در این شماره فقط مطالب مربوط به ظهور پیامبر اسلام و جزئیات مربوط به آن نقل خواهد شد.

بشارت ظهور پیامبر اسلام ﷺ

حضرت عیسی (ع) در جواب سؤال فردی به نام فیلیس که می‌گوید: «چه می‌گویی ای آقا! حقا و هر آینه در اشعیا نوشته شده است به درستی که خدای پدر ماست، پس چگونه او را فرزندان نباشد؟» می‌گوید:

«به درستی که در اشعیا نوشته شده است مثل‌های بسیاری که واجب نیست این‌که بگیری او را به لفظ بلکه به معنی، زیرا که همه پیامبران که به یکصد و چهل و چهار هزار می‌رسند، آنانکه فرستاده ایشان را خدای به سوی جهان، به تحقیق سخن رانده‌اند به معماها و تاریکی، و لیکن زود است بیاید بعد از من لقای همه پیامبران و پاکان، پس تابان شود چون نور بر تاریکی‌های همه آنچه پیامبران فرموده‌اند، زیرا که او رسول خداست.»^۱

در فصل ۳۶ هم آمده است که حضرت عیسی می‌گوید: «به تحقیق که پیامبران، همه ایشان آمدند مگر رسول‌الله، آنکه زود است بعد از من بیاید، زیرا که خدای این می‌خواهد تا که من مهیا سازم راه او را.»

دیگر جای می‌خوانیم: «اما در خصوص من، به درستی و به تحقیق آمده‌ام تا آماده کنم راه را از



خدا فرمود: صبر کن ای محمد ﷺ زیرا که برای تو می‌خواهم خلق کنم بهشت و جهان و بسیاری از خلائق را که می‌بخشم آنها را به تو، حتی این که هر که ترا مبارک می‌شمارد مبارک شود و هر که با تو خصومت کند ملعون می‌شود.

برای رسول الله که زود است بیاورد خلاصی عالم را ولیکن حذر کنید از این که فریب داده شوید؛ زیرا که زود است که بیایند پیامبران دروغگوی بسیاری که سخن مرا می‌گیرند و انجیل مرا ناپاک می‌نمایند، آن وقت اندرواس گفت: ای معلم! برای ما علامتی ذکر کن، تا او را بشناسیم، یسوع جواب داد: به درستی که او در زمان شما نمی‌آید، بلکه بعد از شما به چندین سال می‌آید، آن وقتی که انجیل من باطل می‌شود و نزدیک است که سی نفر مؤمن پیدا نشود، در آن وقت خدای بر جهان رحم می‌کند، پس می‌فرستد رسول خود را که قرار می‌گیرد بر سر او ابر سفیدی تا او را یکی از برگزیدگان خدای بشناسند و همانا زود است که ظاهر سازد او را برای جهان و زود است که بیاید با قوت عظیمی بر فاجران و براندازد بت‌پرستی را از جهان و به

درستی که من به آن مسرور می‌شوم زیرا که به واسطه او زود است که ظاهر شود و تمجید کرده شود خدای و صدق من ظاهر گردد و زود است که انتقام کشد از آنانکه زود است بگویند که من بزرگ‌ترم از انسان، حق می‌گویم به شما، به درستی که زود است که ماه او را جواب دهد در خردسالی او و وقتی که او بزرگ شود، می‌گیرد او را در اختیار خود، پس باید جهان حذر نماید از این که نپذیرد او را، زیرا زود است که وی بت‌پرستان را براندازد... و زود است که بیاورد حقی را آشکارتر از سایر پیامبران و زود است که سرزنش کند هر که را که رفتار نیکو نمی‌کند در جهان و زود است که تحیت فرستد برج‌های شهر پدران ما بعضی به بعضی از روی خوشحالی، پس هر وقتی مشاهده شود بر افتادن بت‌پرستی از زمین و اعتراف کرده شود، به این که من بشری هستم مانند سایر ناس، پس حق می‌گویم که پیامبر خدای آن وقت می‌آید.»^۲

در فصل ۱۲۴ انجیل برنابا، حضرت عیسی (ع) خبر از تطهیر خرابی انجیل می‌دهد و می‌گوید: «پس وقتی که رسول الله بیاید، می‌آید تا تطهیر کند هر چه را که فاجران خراب کرده‌اند از کتاب من.»

پیامبر اسلام: پیامبر رحمت

در این باره در انجیل برنابا چنین آمده است: «...یسوع فرمود: ای برادران! همانا که قضا و قدر رازی است بزرگ، حتی این که به شما می‌گویم که راستی آن را نمی‌داند آشکارا، جز یک نفر و بس، و او آن کسی است که امت‌ها منتظر او می‌باشند، آن کسی که اسرار خدا بر او آشکار می‌شود بس آشکار شدنی و خوشا به حال کسانی که گوش به سخن او می‌دهند، وقتی که به جهان بیاید، زیرا که رحمت خدا بر ایشان سایه خواهد افکند چنانچه این درخت خرما ما را سایه افکنده است، آری، چنانکه این درخت از حرارت سوزان آفتاب ما را نگاه می‌دارد، همچنین رحمت خدا نگاه می‌دارد ایمان آورندگان به آن اسم را از شر شیطان، شاگردان در جواب گفتند: ای معلم! کدام کس خواهد بود آن مردی که از او سخن می‌گویی که به جهان خواهد آمد، یسوع به شکفتگی دل در جواب فرمود که همانا او محمد ﷺ، پیامبر خداست، وقتی که او به جهان بیاید چنانکه باران، زمین را قابلیت بخشد که بار بدهد بعد از آنکه باران مدت مدیدی منقطع شده باشد، همچنین او وسیله اعمال صالحه میان مردم خواهد شد به رحمت بسیاری که با خود می‌آورد، پس او ابر سفیدی است پر از رحمت خدا و آن رحمتی

است که آن را خدا بر مؤمنان نثار می‌کند، نرم نرم مثل باران»^۲

در فصل ۲۲۰ نیز بشارت ظهور پیامبر اکرم ﷺ جهت رفع فریب کشته شدن حضرت عیسی (ع) بیان شده است.

ظهور پیامبر اسلام با نام مسینا

همچنین در بخش‌های مختلفی از انجیل برنابا خبر ظهور پیامبر اسلام با نام خاص «مسینا» بیان شده که گویا در میان کاهنان یهودی، پیامبر اسلام به این نام شناخته شده بودند.

در فصل ۴۲ آمده است که حضرت عیسی (ع) در جواب برخی لاری‌ها و کتبه که می‌گویند «هرگاه تو نیستی مسینا و نه ایلیا و نه هیچ پیامبری، پس چه جهت دارد که بشارت می‌دهی به تعلیم

و لیکن تسلی من همان در آمدن پیامبری است که هر اعتقاد دروغ را در باره من از میان خواهد برد و آیین او اقتدار خواهد یافت و همه جهان را فرا خواهد گرفت، زیرا که خدا به پدر ما ابراهیم چنین وعده فرمود و همانا آنچه مرا تسلی می‌دهد آن است که آیین او را هیچ‌نهایتی نیست، زیرا که خدا او را درست نگهداری خواهد فرمود.

تازه و خود را می‌نمایی بزرگ‌تر در شأن از مسینا»، می‌گوید: «به درستی معجزاتی که خدای آنها را بر دست من می‌کند، ظاهر می‌کند این که سخن می‌کنم به آنچه خدای می‌خواهد. و من نمی‌شمارم خود را مانند آنکه از او سخن می‌رانید، زیرا که من لایق آن نیستم که بگشایم بندهای جرموق یا دوال‌های نعل رسول الله را که او را مسینا می‌نامید، آنکه پیش از من آفریده شده و زود است بعد از من بیاید و زود است بیاورد کلام حق را و نمی‌باشد آیین او را نهایی.»

در بخش دیگری از انجیل برنابا، حضرت عیسی در پاسخ به زنی که می‌گوید: «به درستی که ما انتظار مسینا را داریم پس وقتی بیاید ما را تعلیم می‌کند» می‌گوید: «ای زن، مگر نمی‌دانی که به ناچار مسینا خواهد آمد» و در ادامه می‌افزاید: «ای زن، به من ظاهر می‌شود که تو مؤمنه باشی، پس اکنون بدان این که به ایمان به مسینا، همه برگزیدگان خدا زود است که خلاصی یابند، اکنون واجب شد که بشناسی آمدن مسینا را، زن گفت: ای آقا شاید تو خود مسینا باشی، یسوع در جواب فرمود: به درستی که من به راستی به سوی خانه بنی اسرائیل، پیامبر خلاصی

فرستاده شده‌ام ولیکن زود است که بعد از من بیاید مسینا که فرستاده شده خداست برای همه جهان، آنکه به واسطه او خدا جهان را آفرید و در آن وقت سجده کرده می‌شود برای خدا در همه جهان و به رحمت رسیده می‌شود، حتی این که سال یوییل که اکنون هر صد سال می‌آید زود است که آن را مسینا هر سال در هر جا قرار دهد.»^۲

در فصل ۹۷ نیز وقتی کاهنی می‌گوید: «چه نامیده می‌شود مسینا و کدام است آن علامتی که آمدن او را اعلان نماید»، یسوع در جواب می‌گوید: «نام مسینا عجیب است، زیرا که خدا خود وقتی که روان او را آفرید و در ملکوت اعلیٰ او را گذاشت، خود او را نام نهاد و خدا فرمود: صبر کن ای محمد ﷺ زیرا که برای تو می‌خواهم خلق کنم بهشت و جهان و بسیاری از خلایق را که می‌بخشم آنها را به تو حتی این که هر که ترا مبارک می‌شمارد مبارک شود و هر که با تو خصومت کند ملعون می‌شود، وقتی که تو را به سوی جهان می‌فرستم پیامبر خود قرار می‌دهم به جهت خلاصی و کلمه تو صادق می‌شود، حتی این که آسمان و زمین ضعیف می‌شوند و لیکن دین تو هرگز ضعیف نمی‌شود، همانا نام مبارک او محمد ﷺ است، آن وقت جمهور (همه) مردم صداهای خود را بلند نموده، گفتند: ای خدا بفرست برای ما پیامبر خود را، ای محمد ﷺ، بیا زود برای خلاص جهان.»

پیامبر اسلام ﷺ دارای دین جهانی

در این باره در انجیل برنابا اینگونه آمده است:

«... حق می‌گویم به شما، به درستی که هر پیامبری هر وقتی که بیاید، پس به درستی که جز این نیست که فقط از برای یک امت حامل می‌شود نشانه رحمت خدای را و از این است که سخن ایشان تجاوز نمی‌کند از آن طایفه که به سوی ایشان فرستاده شده‌اند، ولیکن رسول خدا هر وقتی که بیاید می‌دهد خدای به او آنچه را که او به منزله انگشتری دست او است، پس حامل می‌شود خلاص و رحمت را برای امت‌های زمینی، آن‌که تعلیم او را می‌پذیرند، و زود است بیاید با توانایی بر ستمکاران و براندازد عبادت بتان را به گونه‌ای که شیطان رسوا شود، زیرا که این چنین خدای وعده نموده به ابراهیم (ع)، فرموده: ببین، به درستی که به نسل تو همه قبائل زمین را برکت می‌دهم و همچنان که ای ابراهیم شکستی بتان را شکستی، نسل تو زود است که چنین کند.»^۵

در فصل ۹۷، پس از اظهار ناراحتی حضرت عیسی (ع) از تعلیم ناپاک شیطان به این که او خدا و پسر خداست و دلداری دادن کاهن و والی و پادشاه به این که ما خواهیم خواست تا فرمان شاهی به این صادر شود که هیچ کس تو را خدا یا پسر خدا نخواند، حضرت عیسی (ع) می‌فرماید: «این سخن مرا تسلی نمی‌دهد زیرا که از آنجایی که امید نور داریدی تاریکی

زود است که بعد از من بیاید مسینا که فرستاده شده خداست برای همه جهان، آنکه به واسطه او خدا جهان را آفرید و در آن وقت سجده کرده می‌شود برای خدا در همه جهان.

و لیکن زود است بیاید بعد از من لقای همه پیامبران و پاکان، پس تابان شود چون نور بر تاریکی‌های همه آنچه پیامبران فرموده‌اند، زیرا که او رسول خداست.

خواهد آمد، و لیکن تسلی من همان در آمدن پیامبری است که هر اعتقاد دروغ را در باره من از میان خواهد برد و آیین او اقتدار خواهد یافت و همه جهان را فرا خواهد گرفت، زیرا که خدا به پدر ما ابراهیم چنین وعده فرمود و همانا آنچه مرا تسلی می‌دهد آن است که آیین او را هیچ نهایی نیست، زیرا که خدا او را درست نگهداری خواهد فرمود.»

و اکنون ما در سال ۲۰۰۶ میلادی قرار گرفته‌ایم، سالی که ۱۴۲۷ سال از تحقق وعده حضرت

عیسی (ع) می‌گذرد و دین و آیین پیامبر موعود در حال گسترش و جهانی شدن است. البته همانگونه که خود این پیامبر در آغاز ظهور با جاهلیت آن دوره مواجه بود، امروز نیز دین و آیین ایشان با جاهلیت مدرن کنونی مواجه است و برخی دشمنان به جهت پستی و خبثت باطن، کار را به جایی می‌رسانند که شخص و آیین ایشان را با اعمال زشتی همچون ترسیم کاریکاتورهای موهن مورد هجمه و حمله قرار می‌دهند. مستکبران که در پشت اعمال کثیف آنان، دست‌های خیانت‌کاری است که دائماً در پی فتنه‌انگیزی میان مسلمانان و مردمان ادیان دیگر، خصوصاً مسیحیان می‌باشند، لذا در گفتگوی بین ادیان مسیحی و اسلام، این مسأله قابل توجه است که اگر چه شاید مسأله به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی (ع) مورد قبول جمع زیادی از مسیحیان باشد، اما گویا تمامی آنان به بازگشت وی اعتقاد دارند، همان که ما مسلمانان نیز بر آن معتقدیم. البته ما چنان معتقدیم که حضرت عیسی (ع) نیز همراه موعود آخر الزمان مسلمانان خواهد بود، همان موعودی که امروز میان بسیاری از ساکنان این کره خاکی به نام‌های مختلف و از جمله منجی آخر الزمان نامش مطرح است و همچون پیامبر موعود عیسوی، پیام‌آور رحمت و برکت الهی است.

به نظر می‌رسد با توجه به اشتراک نظر مسلمانان و مسیحیان در بازگشت حضرت عیسی (ع)، اگر چه با کمی اختلاف، این امر زمینه مناسبی است تا انس و الفت و گفت و گوی میان این دو دین الهی هر چه بیشتر گسترش یابد، چرا که این امر خود باعث اتحاد و ایستادگی پیروان آنها در برابر دشمنان کنونی خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. انجیل برنابا، مترجم: حیدرقلی خان قزلباش (سردار کابلی)، چاپخانه حیدری، سال ۱۳۴۵، فصل ۱۷، ص ۷۳.
۲. همان، فصل ۷۲، ص ۱۶۷.
۳. همان، فصل ۱۶۳، صص ۳۱۲-۳۱۳.
۴. همان، فصل ۸۲، صص ۱۸۳-۱۸۲.
۵. همان، فصل ۴۳، صص ۱۲۱-۱۲۰.